

سازماندهی جنگی در غزوات عصر پیامبر (ص)

اصغر قاندان*

چکیده

در عصر پیامبر(ص) غزوات و سرایایی در سه جبهه مشرکان، یهود و روم تدارک دیده شد. در مجموع، ۲۹ غزوه و ۶۶ سریه صورت گرفت که جز در یک غزوه (احد)، همه با پیروزی همراه بود. یکی از عوامل موفقیت در این جنگها، سازماندهی کارآمد نیروی نظامی در عرصه جنگ بود. آن حضرت مسلمانان را در دو شیوه جنگ منظم (غزوه) و جنگ نامنظم (سریه) وارد کارزار کردند. پیامبر(ص) هیچ‌گاه بدون سازماندهی چهارگانه جنگ نمی‌کردند که شامل سازماندهی قبل از حرکت، در حین حرکت، در اردوگاه یا محل استقرار و نهایتاً در حین جنگ. در این تحقیق برآنیم تا بررسی کنیم هر یک از این سازماندهی‌ها چگونه صورت می‌گرفته و چه ویژگیهایی داشته است. فرضیه این تحقیق بر این امر استوار است که این سازماندهی ویژگیهای منحصر بفردی داشته و بر پیروزی در غزوات و جنگهای ایشان تاثیر داشته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد اولاً این چهار مرحله سازماندهی از ابتکارات رسول خدا (ص) بوده و در عصر جاهلیت، وجود نداشته و ثانیاً این سازماندهی در پیروزی و موفقیت جنگی مسلمانان تأثیر مستقیم داشته است.

واژه‌های کلیدی: جنگ منظم، غزوه، جنگ نامنظم، سریه، سازماندهی جنگ، عصر پیامبر(ص).

مقدمه

سازمان‌دهی نظامی (Military organization) فرایندی است که فعالیت نظامی را با ساختاری روشمند به منظور حداکثر کارایی و بهره‌وری، انسجام می‌بخشد. امروزه سازمان‌دهی به همراه برنامه‌ریزی، رهبری و نظارت، چهار وظیفه اصلی مدیریت به حساب می‌آید (Trevor, Col, N. Dupay, 1993:122). هدف از سازمان‌دهی، تضمین و تأمین بهترین کاربرد ممکن از ابزارها و امکانات جنگی است و نقش مهمی در موفقیت استراتژی جنگی ایفا می‌کند (Encyclopedia Military Defence, 1990: 2062). در متون اسلامی و منابع تاریخی از سازمان‌دهی با عنوان «تعبیه الحربیه» یاد شده است. از عصر اسلامی اندیشمندان نظامی و متخصصان در حوزه تاریخ نظامی به ویژه از اواخر قرن دوم به بعد کوشیده‌اند تا ضمن تئوری‌پردازی در این زمینه، فرماندهان، ملوک و امرا را در برنامه‌ریزی جنگی و سازمان‌دهی بهتر برای جنگ، به موفقیت آنان در نبردها کمک کنند. از نخستین نظریه‌پردازان جنگ در عصر اسلامی می‌توان از هرثمی (متوفی ۲۳۰ق) یاد کرد که اثر خود را برای مأمون عباسی نگاشته است.^۱ از دیگر اندیشمندانی که تألیفی اختصاصی در این باب دارد ابن منکلی بغا ناصری (متوفی ۷۸۴ق) است که آن را برای سلطان قایتبای، حاکم مصر فراهم ساخته است.^۲ ابن

^۱. او از خاندان معروف هرثمه بن اعین است که در عصر هارون از فرماندهان عالی‌رتبه بود. هرثمی علاوه بر فرماندهی در میدان جنگ در عصر مأمون، نظریه‌پردازی است که عمیقاً به مسائل پیرامون اصول جنگ و سازمان‌دهی نیروها می‌پردازد. او کتابی حجیم با عنوان *الحیل فی الحروب* [حیله‌های جنگی] تألیف کرد که متأسفانه از میان رفته، ولی خلاصه آن، که خود او به انجام رسانیده با نام مختصر *سیاسة الحروب* امروزه بر جای مانده است. او یازده باب از تألیف خود را صرفاً به بحث پیرامون سازمان و یگان‌های رزم و تسلیحات آن پرداخته که باب یازدهم این اثر به سازمان‌دهی لشکریان اختصاص دارد.

^۲. او در اثر خود با عنوان *الادلّه الرسمیه فی التعابی الحربیه* به‌طور مفصل در بیست فصل به نحوه سازمان‌دهی و آرایش نظامی در جنگ، آرایش لشکرها، وظایف یگان‌های رزم، انواع آرایش‌ها، سازمان‌دهی در جنگ‌های محاصره‌ای، وظایف طلایع و نهایتاً سازمان‌دهی در جنگ‌های دریایی پرداخته است. تألیف او را شاید بتوان تنها کتاب جامع و کامل در حوزه سازمان‌دهی نظامی دانست. وی از آیات و روایات و احکام فقهی و دینی نیز در خلال مباحث استفاده کرده است.

خلدون نیز در مقدمه^۱ خود به تفصیل در این باب سخن گفته است. علاوه بر آنها اندیشمندان دیگری هم در این باب به تالیف آثاری پرداخته اند که نشان از اهمیت این بحث در میان آنان داشته است.

اما در تحقیقات جدید، به طور مستقیم و مستقل در زمینه سازماندهی در جنگ در عصر پیامبر (ص) پژوهشی صورت نگرفته است، با این حال برخی از مقالات و کتبی که نگارنده مقاله حاضر به چاپ رسانیده به میزان بسیار اندکی با بحث این مقاله به طور غیر مستقیم مرتبط است، از جمله «اندیشه ایجاد ارتشی ثابت و دایمی در اسلام»^۲، «مدیریت و رهبری پیامبر اکرم (ص) در عرصه‌های نظامی»^۳، «بسیج و تأمین نیرو در عصر اسلامی»^۴، «سازماندهی جنگی در عصر اسلامی (از آغاز تا عصر عباسی)»^۵؛ کتاب *سازمان رزم از آغاز تا پایان عصر عباسی*^۶، *مدیریت نظامی در نبردهای پیامبر اکرم (ص)* تالیف یاسین سوید^۷ و مقالات دیگری که از سوی سایر پژوهشگران نگاشته شده است، مثل «درآمدی بر سیره مدیریتی پیامبر اعظم (ص)»^۸ محمد احمدی^۹ و «روش فرماندهی پیامبر اعظم (ص)»^{۱۰} علی تقی زاده اکبری^{۱۱}، چندان به سازماندهی جنگی نپرداخته‌اند.

۱. وی از آرایش جنگی بر اساس نظام خمیس، وظایف هر یک از اعضا و اجزای آن شامل قلب، مقدمه، میمنه، میسره و عقبه و نیز نظام کرادیس، تعداد نیروهای لازم برای لشکرها و یگان‌ها در جنگ سخن گفته است (ابن خلدون، ۱۹۶۷: ۴۸۰). کسان دیگری هم در این باب آثاری تخصصی از خود برجای گذاشته‌اند، از جمله زین‌الدین عبدالقادر فاکهی، معروف به ابن عنابی، *السعی المحمود فی ترتیب الجنود*، بدرالدین بن محمد کتانی الحموی، *تجنید الاجناد و جهات الجیاد*، و نیز دو تألیف مجهول *المولف از قرن هفتم و هشتم با عنوان، سیاح الملوک و سراج الملوک*، که ضمن مباحث تئوریک در مورد سازماندهی لشکریان، اثر خود را با اشکال و رسوم و طرح‌های سازمان‌دهی سپاه در جنگ آراسته‌اند.

۲. *دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه اصفهان)*، بهار و تابستان ۱۳۸۳، ش ۳۶ و ۳۷.

۳. *مطالعات راهبردی بسیج*، تابستان ۱۳۸۵، ش ۳.

۴. *مطالعات راهبردی بسیج*، بهار و تابستان ۱۳۸۲، ش ۱۸ و ۱۹.

۵. *سیاست دفاعی*، بهار، ۱۳۸۴، ش ۵۰.

۶. *دانشگاه امام حسین (ع)*، ۱۳۸۵.

۷. *ترجمه اصغر قائدان*، صریر، ۱۳۷۵.

۸. *حصون*، پاییز ۱۳۸۵، ش ۹.

۹. همان.

مسئله اصلی در این مقاله، که در پی بررسی آن هستیم این که سازماندهی در غزوات عصر رسول خدا (ص) چه ویژگی‌هایی داشته و چگونه سپاه برای جنگ سازماندهی می‌شده است. همچنین، برآنیم تا به این سؤال اصلی پاسخ دهیم که آیا اصولاً مسلمانان در عصر پیامبر (ص) در غزوات و جنگ‌های خود از سازماندهی خاصی برخوردار بوده‌اند؟ و این سؤال فرعی که آیا این سازماندهی از ابتکارات نظامی رسول خدا (ص) بوده یا از عصر جاهلیت و یا از دول همجوار اقتباس کرده‌اند؟

سازماندهی جنگ در عصر جاهلی

اعراب در عصر جاهلی چندان به سازماندهی جنگ اهتمامی نداشتند، البته به استثنای اعراب منطقه حیره، که تحت تابعیت ساسانیان و اعراب منطقه غسان که تحت تابعیت روم قرار داشتند. نعمان بن منذر از نظام خمیس در قالب یگان‌های پنجگانه با این نام‌ها بهره می‌برد: «الوضائع»، که قومی ایرانی در آن سازماندهی شده بودند؛ «الشهباء» که از رجال و بزرگان خاندان شاه تشکیل می‌شد؛ «الصنائع»، از قبیله بکر بن وائل، «الرهائن» که از قبایل مختلف بودند و «الدوسر» که در آن سواران و شجاعان قبایل سازماندهی شده بودند (جواد علی، ۱۴۱۳: ۵/ ۴۱۰، ۴۱۱). این دو دولت لشکریانی آموزش دیده و منسجم و آماده برای جنگ یعنی ثابت داشتند. سواران و پیادگان و تیراندازان در یگان‌هایی که به آن‌ها «کتائب» گفته می‌شد سازماندهی می‌شدند؛ اما اعراب منطقه حجاز، اگرچه همواره در جنگ و کشمکش به سر می‌بردند و جنگ جزء اصلی زندگی آنان بود، این درگیری‌ها عمدتاً ایذایی و غافلگیرانه، همراه با وارد کردن ناگهانی ضربه و عقب نشینی بود؛ لذا نیاز به سازماندهی خاصی هم نداشت. آنان نه یگان‌هایی منظم و آموزش دیده برای جنگ در اختیارشان بود و نه فرماندهانی که روش‌های جنگی را به آنان بیاموزند و تنها بر اساس نظر فرمانده، نیروها فراخوانده و جمع می‌شدند. در این حال هر قبیله برای دفاع از کیان قبیله خود آماده می‌شد و یا در جنگ شرکت می‌کرد و حتی کودکان، زنان و سالخورده‌گان هم در آن سهیم می‌گشتند (همان: ۵/ ۴۱۲-۴۱۵).

در متون تاریخی، این جنگ‌ها به «ایام العرب» مشهور شده است. علمای لغت، ایام را به معنی وقایع تفسیر کرده‌اند که خاص روزها، بدون ذکر شب‌هاست (ابن منظور، ۱۹۵۶: ۱۲/ ۶۵۱). این ایام که بیشتر، درگیری و نزاع بین قبایل بود، به سرعت و به بهانه‌های واهی شعله‌ور می‌شد و به اتمام می‌رسید و شاید اغلب از یک روز تجاوز

نمی‌کرد؛ بر همین اساس، آن را به نام همان روز یا یومی که جنگ در آن بر پا شده بود می‌نامیدند. بعضی از جنگهایی که با قبایل خارج از حجاز و یا با ایرانیان صورت می‌گرفت به درازا می‌انجامید و از یک روز فراتر می‌رفت (Robinson, 2003: 77). /ایام العرب مهم‌ترین منبع تحقیقی درباره این بخش از زندگی عرب عصر جاهلی محسوب می‌شود. در مورد تعداد این ایام، براساس کتاب /ایام العرب ابو عبیده معمر بن مثنی، تا ۱۲۰۰ یوم ثبت شد. ابوالفرج اصفهانی نیز ۱۷۰۰ یوم را به ثبت رساند (رک: ابو عبیده معمر بن مثنی، مقدمه).

در این جنگ‌ها، جز جنگ‌هایی که با ایرانیان و رومیان انجام می‌شد، مثل ذی قار و یا درگیری بین قبایل بزرگ عرب آل لخم، آل غسان، مناذره و... که در خارج از حجاز صورت می‌گرفت، هیچ یک از سازماندهی برخوردار نبودند. اگر چه نیروها به لحاظ نفرات در گروه‌هایی جمع می‌شدند؛ اما هیچ آرایش و سازماندهی جنگی منظمی نداشتند مثل گروه‌های «الرهط»: از سه تا ده نفر؛ «الحضیره»: ده نفر؛ «السریه» سی نفر؛ «العصبه»: چهل نفر؛ «المقنب»: چهارصد نفر؛ «المنسر»: پانصد نفر؛ «الجمره» و «الکتیبه»: هزار نفر؛ «الجیش» از هزار تا چهار هزار نفر؛ «الخمیس»: از چهار هزار تا دوازده هزار نفر تشکیل می‌شد (ابن منظور، ۱۹۵۶: ۶/۳۰۵؛ ابن سیده، ۱۳۹۸: ۶/۱۹۹).

سازماندهی جنگی در نبردهای قبایل بزرگ خارج از مرکز شبه جزیره نیز فقط در میدان جنگ در قالب نظام خمیس یا پنجگانه و البته آن هم به طور ناقص صورت می‌گرفت. آنان در میدان جنگ نیروها را به جناحین و قلب تقسیم می‌کردند. ابتدا دو جناح به جناحین دشمن هجوم می‌بردند و قلب نیز از میان حمله می‌برد یا دفاع می‌کرد. گاهی هر دو جناح به شکل هلالی هجوم می‌برد و دشمن را محاصره می‌کرد و یا تحت فشار قرار می‌داد. در مواقعی نیز جلو سپاه مقدمه‌ای قرار داده می‌شد که هدفش حفاظت و حمایت از سپاه بود و یا اطلاعاتی از دشمن می‌گرفت و یا او را مشغول می‌ساخت تا سپاه برسد. به این قسمت «طلیعه» گفته می‌شد (جوادعلی، ۱۴۱۳: ۵/۴۱۵).

ویژگی‌های سازماندهی جنگ در عصر پیامبر (ص)

در عصر رسول خدا (ص) مسلمانان در دو شیوه جنگ منظم و سازمان‌یافته (غزوات) و جنگ نامنظم و غافلگیرانه (سریه) وارد کارزار شدند. در این جا ذکر این نکته ضروری است که بر خلاف آنچه مشهور شده «غزوه» به معنای جنگ‌هایی که رسول خدا (ص)

در آن حضور داشتند و «سریه» جنگ‌هایی که ایشان در آن حضور نداشتند، نیست. چنان‌که از متون لغت و نیز کتب تاریخ و مغازی، که به شرح این جنگ‌ها پرداخته‌اند، روشن می‌گردد، غزوه^۱ در اصطلاح به نبردها و جنگ‌هایی گفته می‌شود که در روز و آشکارا با نیروهای زیاد و با سازماندهی نظامی صورت می‌گرفت و بر عکس آن، سریه به مأموریتی غافلگیرانه که به صورت غیر علنی و با تعداد نیروی کم و در شب و بدون سازماندهی نظامی انجام می‌گردید اطلاق می‌شود. در حقیقت چنان‌که گفته شد سریه، در عصر جاهلیت یک گروه جنگی بود و از سه تا سی نفر نیرو در آن حضور می‌یافت (ابن منظور، همان‌جا؛ ابن سیده، همان‌جا). از آنجا که غزوه‌ها با نیروی زیاد و آشکارا و با سازماندهی صورت می‌گرفته، رسول خدا (ص) به عنوان فرمانده کل فقط در آن‌ها شرکت می‌جستند و در سریه‌ها که عملیات‌های غافلگیرانه و شبانه به منظور ایداء دشمن یا کسب اطلاعات انجام می‌شده ایشان بدیهی بود که در آن حضور نیابند. همین امر باعث این برداشت اشتباه شده است که غزوه یعنی جنگ‌هایی که پیامبر (ص) در آن حضور داشته‌اند و بالعکس.

رسول خدا (ص) در غزوات خود، برخلاف جنگ‌های عصر جاهلیت از شیوه کر و فر بهره نمی‌برد و علاوه بر ابتکار نظام صف به جای کر وفر، به سازماندهی بی‌سابقه‌ای در چهار مرحله بدین شرح پرداخت.

۱. سازماندهی قبل از حرکت سپاه
۲. سازماندهی در حین حرکت و در مسیر
۳. سازماندهی در هنگام استقرار در اردوگاه قبل از جنگ.
۴. سازماندهی در میدان جنگ

^۱ غزو در لغت عرب به معنای جنگ است و مغازی اسم مکان از غزو و در حقیقت به معنای شرح مکان جنگ و مناقب جنگجویان است و نیز وقتی به زنی گفته می‌شود مُغزیه، یعنی کسی که همسرش به جنگ یا غزا رفته است و یا وقتی به کسی گفته می‌شود: ما غَزَوْتُكَ، یعنی مقصودت از آنچه می‌گویی چیست (فراهیدی، بی تا: ۴/۴۰۴، قاسم بن سلام، ۱۳۸۴: ۳/۵۲) و نیز می‌گفتند این مرد در گروه نفیضه و یا در حضیره می‌جنگد (ازدی، ۱۹۸۷: ۱/۲۵۴). این تعاریف نشان می‌دهد که در زبان عرب اصطلاح غزوه همیشه بکار می‌رفته و اختصاصی به عصر پیامبر (ص) ندارد.

^۲ چنانکه جنگ‌های اعراب غساسنه و منذره در عصر جاهلیت به این گونه انجام می‌شد. (بنگرید: ابو عبیده معمر بن مثنی، ایام العرب)

نوع اول و دوم در عصر حاضر، در حیطه استراتژی امی گنجد، اما نوع سوم و چهارم امروزه در حیطه تاکتیک آقرار می‌گیرد. با این حال هر چهار محور در عصر پیامبر (ص)، چه به طور عملی و چه نظری، در حیطه سازماندهی و یا «تعبیه» قرار می‌گیرد؛ زیرا این اصطلاح در آن دوران به جای استراتژی و تاکتیک به کار می‌رفته و در متون تاریخی چیزی جز تعبیه الحریبه (سازماندهی جنگی) دیده نمی‌شود.

سازماندهی قبل از حرکت سپاه

هنگام حرکت و یا عزیمت سپاه به منطقه جنگی، قبل از هر چیز «استعراض» و یا به اصطلاح امروزی «سان» دیدن از سپاه توسط فرماندهی کل مهم‌ترین و نخستین گام است. رسول خدا (ص) در غزواتی که خود فرماندهی آن را بر عهده می‌گرفت، در هنگام بسیج نیرو و قبل از حرکت، به سان دیدن از سپاه می‌پرداخت و سپاه را در این گونه موارد نظارت و بررسی می‌کرد. امکانات مادی اعم از سلاح و تجهیزات، وسایل حمل و نقل، نیروی انسانی، یگان‌های رزمی و فرماندهان آن‌ها و نیز رسته‌های پشتیبانی و خدماتی و در مجموع نحوه و نوع سازماندهی لشکر به لحاظ کمی و کیفی. چنان‌چه در این خصوص ضعف و یا نقصی وجود نداشت اجازه حرکت لشکر را به سوی محل مأموریت خود صادر می‌کرد (هرثمی، ۱۹۶۷: ۲۹).

از نکات دیگری که رسول خدا (ص) در هنگام نظارت و کنترل نیروها مورد توجه قرار می‌داد، بررسی وضعیت روحی و جسمی آنان بود. اگر کسی چندان رغبتی به جنگ نداشت و ممکن بود حضور او باعث تضعیف روحیه دیگران شود و یا اگر جاسوسی از دشمن و ستون پنجم در بین صفوف شناسایی می‌شد، آنان را از صفوف جنگجویان خارج می‌ساخت. آن حضرت در بعضی از غزوات، عبدالله بن ابی و یارانش

^۱. استراتژی که از اصطلاح یونانی «استراتیگوس» برگرفته شده عبارت است از: حرکت دادن نیروها به سوی منطقه جنگی و انتخاب مواضع مناسب قبل از ورود در جنگ و تقسیم نیروها در میدان رزم بر اساس اهمیت و مأموریت آن‌ها و نیز فراهم ساختن امکانات مورد نیاز آن‌ها برای مدت زمان مورد نظر جهت جنگ (Carpenter, 2005: 6).

^۲. تاکتیک عبارت است از: هنر جابجایی نیروها و ایجاد ارتباط بین آنان در منطقه رزم و شیوه سازماندهی در میدان جنگ، چه در حالت تدافعی و چه در حالت تهاجمی براساس نقشه و درایت فرماندهی (Trevor, 1993: 1/123).

را که گروه منافقان را تشکیل می‌دادند، به خاطر این که در میان صفوف مسلمانان سستی و تشویش ایجاد می‌کردند از صفوف جنگجویان خارج می‌ساخت و یا کسانی از این گروه را که تمایلی به شرکت در جنگ نداشتند از آن معاف می‌کرد، مثل غزوه بنی قریظه، حمراء الاسد و جنگ تبوک (ابن هشام، ۱۳۵۶: ۱۶۰/۴). در جنگ اخیر برخی از منافقان به بهانه گرمی هوا و فصل برداشت، از حضور در جنگ عذر آوردند و خداوند با نزول آیاتی به آنان وعده دوزخ داد و در آن، اشاره شد که آتش دوزخ از گرمای تابستان برای ایشان سوزاننده‌تر است! همچنین، خداوند تعالی به این متخاذلین (یا کناره گیران از جنگ) اشاره دارد که: «اگر آنان در بین شما باشند چیزی جز فساد عقل و ضعف و اختلاف با شما همراه نمی‌سازند و در میانتان فتنه‌انگیزی می‌کنند»^۱.

افزون بر این، رسول خدا (ص) بر اساس آیه‌ای بیماران، افراد ناتوان و کم سن و سال را که برغم سن پایین برای کسب فضیلت جهاد در راه خدا به سپاه پیوسته بودند، از میان صفوف سپاهیان جدا می‌کرد. چنان‌که در غزوه بدر و بیشتر غزوات صورت داد (واقعی، ۱۴۰۴: ۲۰ / ۱). به روایت عبدالله بن عمر، پیامبر (ص) در غزوه احد، که سپاه را بررسی (استعراض) می‌کرد، در حالی که من چهارده سالم بود به من اجازه ورود نداد و در روز خندق که پانزده سالم بود به من اجازه حضور داد (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۵: ۵/۲۷۹). آن حضرت در این هنگام ضمن تشویق رزمندگان برای جنگ و تقویت روحیه آنان، فرامین لازم را برای فرماندهان سپاه صادر و در «ثنیه‌الوداع»^۲، با آنان وداع می‌کرد (ابن هشام، ۱۳۵۶: ۴۹ / ۴).

معمولاً برای تجمع نیرو و بررسی نیروها قبل از حرکت، اردوگاهی بیرون از مدینه، در شش کیلومتری شمال آن به نام «جُرف» (یا قوت حموی، ۱۴۱۲: ۱۲۸ / ۲) برپا شده

۱. «فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ» (توبه: ۸۱).

۲. «لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ» (توبه: ۴۷).

۳. «لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (توبه: ۹۱).

۴. «ثنیه‌الوداع» در خارج باب شامی (شمال مدینه) و در نزدیکی قبا، در ۶ کیلومتری مدینه قرار داشت. پیامبر (ص) هنگام عزیمت برای غزوه تبوک در آن جا اردو زد و به سازماندهی سپاه پرداختند. در غزوه خیبر نیز زنان پیامبر (ص) در این مکان با ایشان وداع کردند (ر.ک. یا قوت حموی، ۱۴۱۲: ۸۶ / ۱).

بود. نبردهایی که به سمت شام انجام می شد؛ مثل غزوات تبوک و موته معمولاً سپاهیان در آنجا حضور یافته و پس از سان دیدن فرمانده کل به سمت مأموریت خود حرکت می کردند. در آخرین روزهای حیات رسول خدا (ص) لشکر اسامه در این اردوگاه مستقر شده بود که آن حضرت از دنیا رفتند (واقعی، ۱۴۱۰: ۱/ ۵۴).

سازماندهی در حین حرکت و در مسیر

سازماندهی در حین حرکت و در مسیر، یکی از اصول مهم و مورد توجه برای تامین امنیت نیروهاست. ماوردی هفت وظیفه، برای فرمانده کل سپاه ذکر کرده است که چند وظیفه آن به سازماندهی در هنگام حرکت به سوی منطقه جنگی مرتبط است. از جمله تعیین عرفا (فرماندهان دسته‌ها)، نقبا (فرماندهان یگان‌ها)، قرار دادن شعار یا رمز برای هر یک از یگان‌ها، تفحص و بررسی مداوم و خارج کردن نیروهای ترسو، سست و جاسوسان از بین نیروهای لشکر (ماوردی، ۱۳۸۰: ۳۷-۳۵).

به گفته هروی: «فرمانده باید شخصاً ویژگی‌های مطلوب را در صف‌آرایی لحاظ و تنظیم کند و این کار را به دیگری واگذار نکند و به خدای تعالی توکل و قلب (میان‌ه) سپاه را متراکم و پر ازدحام گرداند و افراد بسیاری در آنجا قرار دهد و نیز قهرمانانش را انتخاب کند؛ چه بسا که اغلب همان‌ها در جنگ مورد هدف قرار گیرند. باید در طرف راست سپاه (میمنه) و طرف چپ آن (میسره) افراد مطمئن و قابل اتکا قرار دهد و دو طرف را مرتب و هماهنگ گرداند و هر دو جناح را قوی و مستحکم سازد» (هروی، بی تا: باب پانزدهم).

عوامل ضروری در سازماندهی در حین حرکت را می توان در این امور خلاصه کرد:
اول: ضرورت وجود سیطره و نظارت بر جنگجویان، که یک فرمانده بتواند به راحتی با آنان ارتباط برقرار کند و آنان را جهت دهد.
دوم: ضرورت رویارویی با سازماندهی نظامی دشمن، با یک سازماندهی مشابه به هنگام تهاجم ناگهانی در حین حرکت و هشاری در برابر آن.
سوم: حفظ انضباط و نظم به هنگام حرکت و تفکیک و تقسیم وظایف یگان‌ها و جناح-ها برای انجام مأموریت‌های محوله.
چهارم: حفظ امنیت هر یک از اجزاء پنج‌گانه لشکر به وسیله یکدیگر در هنگام حرکت.

هرثمی در مختصر *سیاسة الحروب* درباره آرایش جنگی به هنگام وقوع خطر و ترس در راه یا کمین می‌گوید: «هنگامی که در مسیر حرکت، در مقابل لشکر دشمن، احساس خوف کردی، نیمی از جناح چپ را به مقابل صفوف اعزام کن و نیمی از جناح راست را به دنبال آن، سپس قلب را و آن‌گاه نیمه دیگر جناح چپ و سپس نیمی از جناح باقی‌مانده راست را به دنبال آن روان کن و چنان‌چه ترس و خطر در مسیر، از سمت جناح راست باشد، جناح راست را مقابل صفوف لشکریان بفرست، آن‌گاه قلب و سپس جناح چپ را، اما هنگامی که ترس در راه، از جانب چپ باشد، جناح چپ را در مقابل صفوف بفرست، سپس قلب و آن‌گاه جناح راست را و اگر خطری در مسیر حرکت وجود ندارد، پس طلایع یا پیش‌قراولان را در جلو لشکر قرار بده و مردم را بر اساس جایگاه و مراتب خود مرتب و فرمانده لشکر را در وسط قلب و لوازم سنگین و اموال را در پشت صفوف لشکر قرار ده» (هرثمی، ۱۹۶۷: ۳۰).

سپاه در عصر رسول خدا (ص) اغلب جز با آرایش و سازماندهی کامل حرکت نمی‌کرد، حتی اگر سربهای انجام می‌شد که تعداد نیروهای آن بسیار کم بود. آن حضرت به هنگام حرکت به سوی بدر از سازماندهی نیروهایش در جنگ صحرايي غافل نبود و مقدمه‌ای بر سپاه قرار داد، سپس بخش اعظم سپاه و آن‌گاه عقبه، که پیادگان را در عقبه سپاه قرار داده بود و قیس بن ابی صعصعه را به فرماندهی آنان گمارده بود (مقریزی، ۱۴۲۰: ۸۴/۱) و نیز برای تامین امنیت سپاه نیروهای اطلاعاتی خود را جهت کسب اطلاعات اعزام داشت. این امر درست‌ترین و صحیح‌ترین نوع سازماندهی در هنگام حرکت در مسیر صحرا تا عصر حاضر است (خلیل، ۱۴۲۵: ۱/۱۵۳).

پیامبر (ص) در غزوه احد، در مسیر حرکت، در منطقه شیخان به استعراض سپاه پرداخت و کسانی که سن کمی داشتند یا توان ادامه مسیر را در آنان نمی‌دید از منطقه برگرداند، از جمله عبدالله بن عمر بن الخطاب، أسامه بن زید، أسید بن حضیر، زید بن ثابت، زید بن أرقم، عرابه بن أوس، و... و به رافع بن خدیج و سمره بن جندب، به رغم کمی سنشان و البته توانمندی در تیراندازی و انگیزه زیادشان اجازه حضور داد (مبارکفوری، ۱۴۲۷: ۱/۴۳۱).

همچنین رسول خدا (ص) برای غزوه حنین یاران خود را سحرگهان به صف درآورد و پرچم‌ها و آیات را بدست افراد قرار داد، یعنی برای مهاجرین و انصار، قبایل اسلم و بنی غفار، بنی ضمیره، بنی لیث، بنی کعب بن عمرو، بنی مزینه، جهینه، بنی

أشجع و بنی سلیم هر یک پرچمی قرار داد. به هنگام حرکت از مکه، بنی سلیم را با نهصد یا هزار نفر مقدمه سپاه قرار داد و فرماندهی آن را به خالد بن ولید سپرد که او زودتر به جعرانه رسید و به روایت دیگری ضحاک بن سفیان کلابی را بر آن گمارد (سهیلی، ۱۴۱۲: ۲۱۷/۷)، آن‌گاه خود و سپاهش با سازماندهی کامل وارد دره حنین شد (واقعی، ۱۴۰۴: ۷۹۸ / ۳)، در حالی که سوار بر اسب سفیدش دلدل بود و کلاهخود و زره و بازوبند بر دستانش داشت و یارانش را به جنگ تشویق می‌کرد و به آنان به فتح و پیروزی، در صورتی که صادق و صابر باشند نوید می‌داد (مقریزی، ۱۴۲۰: ۱۳ / ۲).

سازماندهی در هنگام استقرار در اردوگاه

سومین مرحله از مراحل یک لشکرکشی، استقرار و اردو زدن قبل از جنگ است. معمولاً در مسیرهای طولانی و هنگام نزدیک شدن به دشمن، برای تجدید سازماندهی، استراحت لشکریان، تأمین مایحتاج نظامیان، تقویت روحیه نیروها و عوامل دیگر، یک لشکر نیازمند استقرار و اردو زدن است. چه اردو و استقرار در مسیر حرکت و چه در نزدیکی دشمن و منطقه جنگی باشد. در هر دو صورت، سازماندهی می‌تواند کمک مؤثری برای آماده‌سازی و آمادگی نیروها و عدم غافلگیری و تهاجم ناگهانی به حساب آید. برای انتخاب محل اردوگاه، به شرایط و مسائلی توجه می‌شد که تحقق آن در سازمان سپاه به عهده رسته تدارکات و پشتیبانی است. از جمله شناخت کامل مکان فرود، امنیت محل استقرار و عدم امکان شیخون زدن دشمن، وجود آب کافی و چاه‌ها، راه‌های مواصلاتی امن و ... (ماوردی، ۱۳۸۰: ۵۲). عوارض طبیعی نیز برای حفظ امنیت لشکر مهم بود که می‌توانست از آن بهره گیرد. اگر پشت لشکر به کوه‌ها و تپه‌ها و رودها قرار می‌گرفت، امنیت اردوگاه به خوبی در برابر کمین و تهاجم غافلگیرانه دشمن تأمین می‌شد.

رسول خدا (ص) در جنگ بدر، در موضعی استقرار یافتند که از لحاظ زمین و آب از موضع قریش بهتر بود. نیروهای خود را به گونه‌ای آراستند که قریش تا آن زمان نسبت به آن آشنایی نداشت، یعنی سازماندهی بر اساس نظام صف تا بتواند تلفات و خسارات را به حداقل برساند. مسئولیت سازماندهی داخل اردوگاه یا در مسیر بر عهده «امیر التعبیه» بود. او با سوارانش در نزدیکی اردوگاه می‌ایستاد تا لشکر به طور کامل به

اردوگاه وارد شده، بارها را بر زمین بگذارد، آن‌گاه نیروهای گشتی را به اطراف اعزام می‌کرد (هرثمی، ۱۹۶۷: ۳۱).

پس از فرود و استقرار موقت لشکر در مسیر حرکت، یکی از مسائل مهم، پاسداری و حفاظت از لشکریان است. برای این هدف نیروهایی به عنوان «حُرّاس» مأموریت حراست از اردوگاه و لشکریان را بر اساس مأموریت‌های زیر بر عهده دارند:

۱. مراقبت مداوم و ایجاد امنیت و حمایت از نیروها.
۲. ایجاد ارتباط و اتصال بین مقرهای حراست با یکدیگر و با فرمانده نگاهبانان.
۳. هشیاری در برابر خدعه و غافلگیری دشمن.
۴. جلوگیری از تهاجم دشمن به اردوگاه و ورود به آن.
۵. هشیاری در برابر جاسوسان دشمن.

هرثمی در این مورد اشاره می‌کند: «نگاهبانان را در شب به صورت پیاده، پیرامون اردوگاهت و در هر یک از دژها و در برج‌های اطراف بگمار (در هر برج هفت مرد قرار ده) و فرمان ده تا هنگام نگاهبانی صداهای خود را بلند کنند. گروهی دیگر را به صورت سواره از پشت آن نگاهبانان با فاصله کم بگمار تا در یک مسافتی معین در حرکت باشند و صداهای خود را با تکبیر و تهلیل بالا برند. عسس‌ها و نگاهبان‌ها را در شب به اندازه نصف مسافت یک تیر از اردوگاه قرار بده تا در اطراف آن با سکوت و بی سروصدا بگردند» (هرثمی، ۱۹۶۷: ۳۲-۳۳).

در دوران پیامبر (ص) معمولاً لشکرهای اعزامی برای سریه‌ها یا غزوات، پس از طی مسافتی برحسب شرایط و موقعیت‌ها متوقف شده و اردو می‌زدند. در طی این مدت نیروها به تعمیر و بازسازی سلاح‌های خود می‌پرداختند و پس از خوردن و آشامیدن و استراحت لازم، به راه خود ادامه می‌دادند (ابن سعد، ۱۳۷۴: ۲/۹۶). زمان توقف بستگی به نوع مأموریت نیروها، آب و هوا و یا شب و روز داشت (ابن شهاب زهری، ۱۳۱۴: ۸۶). در بعضی سریه‌ها به خاطر اختفا و استتار بیشتر، شب را در حرکت بودند و روز را در جایی پنهان از چشم دشمن به استراحت می‌پرداختند. در غزوه «دومه الجندل» استراحت و استقرار نیروها در شب انجام شد و در فتح مکه به سبب سرعتی که نیروها در مسیر داشتند، استراحت لشکر بسیار کوتاه و در شب بود (ابن هشام، ۱۳۵۶: ۳/۲۴۴).

در غزوه بدر رسول خدا (ص) شب هنگام شخصاً به حراست از اردوی سپاه پرداخت و در صبح هفدهم ماه رمضان لشکر خود را برای نخستین بار در صفوف سازماندهی کرد و چنان که گفتیم نظام صف در میان اعراب پیاده می‌شد و قبلاً سابقه نداشت؛ زیرا اعراب عادت به سازماندهی بر اساس صفوف نداشتند و شکی نیست این نظام می‌توانست به سبب نیروی کم در برابر دشمن فراوان، خسارات و تلفات را به حداقل برساند و امنیت نیروها را بهتر فراهم سازد (عمری، ۱۴۱۵: ۲/۳۶۱).

فتح مکه، یکی از مهمترین نبردهایی بود که رسول خدا (ص) قبل از جنگ به شیوه‌ای نو و ممتاز، به سان دیدن نیروهای جنگی و سازماندهی آنان پرداخت. ایشان در کنار چاه ابی عنبه متوقف شده و پرچم‌ها و رایات را بر افراشتند (مقریزی، ۱۴۲۰: ۱۶۸/۷). آن‌گاه در جبل کدی در نزدیکی مکه، کتیبه‌ها (یگانها) و رسته‌های نظامی به طور منظم با صفوف فشرده از برابر ایشان، که بر مکانی مرتفع ایستاده بود و از سپاه سان می‌دید، عبور کردند. سازماندهی سپاه بر این گونه شکل گرفت که مقدمه به فرماندهی ابو عبیده بن جراح، جناح راست به فرماندهی خالد بن ولید، جناح چپ به فرماندهی زبیر بن عوام با پانصد سوار و پرچم سیاه، و قلب نیز به فرماندهی خود ایشان. آنگاه کتیبه‌های قبایل با فرماندهان و پرچم‌های خود، از جمله هزار سوار از قبیله بنی سلیم به فرماندهی خالد بن ولید (مقریزی، ۱۴۲۰: ۳۶۲/۱)، سواران در طلیعه سپاه در سه گروه، پس از آنان یگان انصار، سپس قبیله بنی غفار با سیصد سواره فرماندهی ابوذر غفاری، قبیله اسلم با چهارصد سوار، قبیله بنی کعب بن عمر با پانصد نفر، قبیله مزینه با هزار نفر و صد سوار به فرماندهی نعمان بن مقرن، قبیله جهینه با هشتصد نفر، سپس کتیبه خضراء، که از مهاجران تشکیل می‌شد و همگی غرق سلاح بودند و فقط چشمان آنان دیده می‌شد (ابن هشام، ۱۳۵۶: ۴/۴۶؛ واقدی، ۱۴۰۴: ۲/۸۱۲؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴: ۵/۲۱۹). پیامبر (ص) دستور داده بودند تا شب هنگام هر یک از نیروها مشعلی از آتش در داخل اردوگاه و بلندی‌های مشرف بر مکه برافروزند (ابن هشام، همان جا) تا در دل مشرکان مکه رعب افکنند. آن حضرت در غزوه حنین مالک بن عوف و نیروهایش را شب هنگام در دره حنین مستقر ساخت و پرچم‌ها را برای قبایل و گروه‌ها برافراشت. پرچم‌های مهاجران را به علی (ع)، سعد بن ابی وقاص و عمر بن خطاب، پرچم خزرج را به سعد بن عباد و پرچم اوس را به أسید بن حضیر سپرد و

برای هر گروه پرچمی قرار داد. پرچم مهاجران سیاه و سفید و پرچم‌های انصار سبز و قرمز (مقریزی، ۱۴۲۰: ۱۲/۲).

در غزوه خیبر نیز سحرگاهان با سپاه خود رسیدند و برای جنگ نیروهای خود را سازماندهی کرده، تیراندازان را پیش داشتند و قلعه‌های یهود را به محاصره در آوردند و قبل از این که آنان از موضع خود به پایین بیایند جنگ را آغاز کردند و مشرکان نیز تا صبح از قلعه‌هایشان تیر و سنگ پرتاب می‌کردند (مقریزی، ۱۴۲۰: ۱/۲۳۷).

سازماندهی در میدان جنگ

هنگام رسیدن لشکر به میدان جنگ و در منطقه عملیاتی، سازماندهی برای جنگ تکمیل و یا بازسازی می‌شود. در این هنگام صفوف و ترتیب و آرایش برای جنگ پس از جمع‌آوری اطلاعات دقیق از دشمن و امکانات و توانایی‌های او و نیز بررسی زمین جنگ و انتخاب موضع مناسب برای کارزار کامل می‌گردد (هرثمی، همان جا). در حقیقت منظم ساختن و نحوه چینش و آرایش جنگجویان و سازماندهی صفوف آنان برای جنگ، که آن را «تعبیه الحریبه» می‌نامیم (ابن منظور، ۱۹۶۷: ۱/۱۱۸؛ ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۱/۳۳۶-۳۳۵). مهمترین و حساس‌ترین وظیفه فرماندهی سپاه است. هدف از انجام سازماندهی در حین جنگ، تقسیم وظایف و مأموریت‌های یگان‌ها در منطقه جنگی است و آن را می‌توان هنر توزیع یگان‌ها و امکانات نظامی توصیف کرد تا وارد ساختن ضربه کامل و قاطع به دشمن، آزادی تحرک (مانور)، همکاری و تعاون بین یگان‌ها، جلوگیری از ضربات دشمن و کاستن از خسارات را برای نیروهای جنگجو فراهم سازد (وتر، ۱۳۷۵: ۱۲۰).

به گفته مبارکشاه در صحنه نبرد باید جای موافق برای جنگ انتخاب شود تا زمینه‌ساز پیروزی بر دشمن گردد؛ مقصود آن که «پادشاه و سرلشکر چون از ولایت خود بیرون شوند، به ولایت دشمن وارد نشوند مگر آنکه زمین‌های دشت و کوه‌ها و ریگستان‌ها و شورستان‌ها را بشناسند و مرغزار نیک سیر [سرسبز] و آبدار نباید که از جولان کردن بسیار آب برآید و خلاب شود و اسپ با نعل بلخشد و ریگستان نباید که

۱. گل و لای و آب که بهم آمیخته شده باشد، منجلا ب، لجن زار.

اسپ در کروف فرورماند و ستوه شود، زمینی باید که باکروه [باگرد] و سنگریزه خرد در یکدیگر آمیخته بود تا گرد نشود» (مبارکشاه، ۱۳۴۶: ۳۱۴-۳۱۵)!

هرثمی گوید: «قلب سپاه را در موضعی مشرف بر کوه یا مکانی مرتفع و بر زمینی محکم باید قرار داد، به طوری که فرمانده بتواند بر مواضع لشکر خویش و نیز دشمن اشراف داشته باشد. در هنگامی که موضع قلب برای فرمانده مناسب نباشد، او پس از آن که جانشینی برای خود در قلب می‌گذارد، به سوی میمنه یا میسره رود تا موضعی مناسب برای فرماندهی بیابد» (هرثمی، ۱۹۶۷: ۳۴).

رسول خدا (ص) در جنگ احد، کوه را پشت سر سپاه و محل استقرار نیروهایش قرار داد تا امنیت نیروها از پشت تامین شود و کوه عینین را نیز، که موقعیتی چون تنگه بین محل استقرار خود و دشمن داشت در اختیار گرفت. ایشان یک گروه ۵۰ نفره یا فصیله را برای امنیت میدان جنگ برای سپاه خود که دشمن از پشت سر، غافلگیرانه آنان را مورد هجوم قرار نهد بر جبل عینین به فرماندهی عبدالله بن جبیر مستقر ساخت و فرمود تیراندازان دشمن را از ما باز بدارید و تنگه را چه در حال پیروزی و چه در صورت شکست رها نکنید (واقعی، ۱۴۲۰: ۱/ ۲۱). با این حال علت عمده شکست مسلمانان در این غزوه رها کردن تنگه بود و پیروزی اولیه مسلمانان را به شکست تلخی تبدیل کرد. چنانچه آنان از مأموریت خود عدول نمی‌کردند، پیامبر (ص) همه غزوات را بدون شکست و با موفقیت پشت سر می‌گذاشت.

نکته دیگر سازماندهی صفوف در میدان جنگ است. صفوف به شکل جبهه‌ای عریض، شامل قلب و جناحین در برابر قلب و جناحین دشمن، در جای خود ایستاده و بطور متراکم و فشرده صفوف خود را باید تشکیل دهند، البته به جز راهی که برای عبور سواره نظام یا جنگجویان برای نبرد تن به تن باز گذارند.

هرثمی در باب هفدهم از کتاب خود اشکال صفوف و آرایش جنگی لشکر، هنگام نبرد با دشمن را در سه شکل هم‌سطح، هلالی و گرد بدین گونه تشریح می‌کند: «در

^۱ سون تزو به عنوان یکی از بزرگترین نظریه‌پردازان درباره مسائل جنگی به این موضوع اشاره کرده است. به نظر او «کسی که اول وارد زمین شود و در انتظار دشمن نشیند، به هنگام نبرد تازه نفس خواهد بود. کسی که دیرتر به میدان بیاید و به سوی نبرد بشتابد خسته از راه می‌رسد، پس جنگاور زیرک اراده خود را بر دشمن تحمیل می‌کند و نمی‌گذارد که اراده دشمن بر او تحمیل شود (رک: سون تزو، ۱۳۸۷: ۴۱).

آرایش (سازماندهی) جنگی باید اتصال و برابری صفوف و پیوستن بعضی از آن‌ها به بعضی دیگر، با صفوف برابر و مساوی مورد توجه قرار گیرد. فرماندهان گاهی برای هر یگان و یا قبیله‌ای شعار (رمز) خاصی قرار می‌دادند تا در مسیر حرکت و یا هنگام درگیری با دشمن یکدیگر را بازشناسند. این رموز در هر جنگی تغییر می‌کرد و برای ارتباط نیروها با یکدیگر، به ویژه در هنگام شب ضروری بود؛ زیرا لباس‌ها و حتی زبان آنان نیز با دشمن مشترک بود و احتمال مخلوط شدن با گشتی‌ها و نیروهای دشمن در میدان جنگ می‌رفت. این کار در عصر حاضر نیز معمول و مرسوم است (هرثمی، ۱۹۶۷: ۳۴).

از زمانی که پیامبر (ص) در جنگ‌ها بر اساس نظام صفوف وارد عمل شدند، سازماندهی در حین جنگ را مورد توجه قرار دادند. در این سازماندهی، پیاده‌نظام اهمیت ویژه‌ای یافت. آنان به هنگام جنگ، پیشاپیش لشکر حرکت می‌کردند و سواره‌نظام در کنار آنان برای حمایت از پیاده‌نظام سازمان‌دهی می‌شد. سپاه رسول خدا (ص) در تمامی غزوات با اسلوب و نظام صف می‌جنگیدند که شیوه‌ای نو و بدیع بود و قرآن مسلمانان را در هنگام جنگیدن به آن توصیه کرده بود؛ ولی مشرکان بدون هیچ سازماندهی و نظمی و بر اساس اسلوب کر و فر یعنی جنگ و گریز، همانند عصر جاهلی می‌جنگیدند.

سازماندهی جنگجویان در یک یا چند صف بر حسب تعداد نیروها انجام می‌شد. معمولاً نیزه‌اندازان در صف اول برای بستن راه حمله سواره نظام مستقر می‌شدند و صفوف بعدی را تیراندازان تشکیل می‌دادند. لازم بود کسانی که در صف اول سازماندهی می‌شدند بخوبی آموزش دیده و بتوانند با حمله دشمن مقابله کنند «کَأَنَّهُمْ بِنِیَانٍ مَّرْصُومٌ»، مثل ستونی از قلع و آهن محکم بایستند. ایشان در جنگ بدر نیروها را به صفوف و دسته‌ها تقسیم کرد (ابن هشام، ۱۳۵۶: ۲/۲۵۷؛ واقدی، ۱۴۰۴: ۲/۶۴۲).

۱. در مورد حرف رمز و شعار، بحثی مستقل می‌طلبد؛ اما در این‌جا لازم است اشاره داشته باشیم که پیامبر (ص) برای مهاجران رمز «یا بنی عبد الرحمن»، برای خزرج «یا بنو عبدالله»، برای اوس «یا بنو عبیدالله» و برای سواران آنها «خیل الله» قرار دادند. در جنگ بدر حرف رمز «احد، احد» و در غزوه احد «امت، امت» (ابن هشام، ۱۳۵۶: ۲/۲۵۲) در غزوه خندق «حم لا ینصرون» و در سایر غزوات نیز رموز دیگر مورد استفاده بود (واقدی، ۱۴۰۴: ۱/۵۴، ۷۱؛ ۲/۴۶۶، ۵۰۴؛ ماوردی، ۱۳۸۰: ۳۷).

۲. «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بِنِیَانٍ مَّرْصُومٌ» (صف: ۴).

نظام صف در جنگ بدر غافلگیری بزرگی برای قریش بود که تاکنون بر این روش نجنگیده بودند.

این صفوف بر چند نوع شکل می‌گرفت:

۱. صف هلالی: که دو جناح از خارج و قلب از داخل سازماندهی می‌شد. این نوع برای تقویت قلب موثر و مفید بود اگر چه تضعیف جناحین را به دنبال داشت؛ ۲. صف صاف: که هر دو جناح و قلب در یک خط قرار می‌گرفتند و مثل دیوار بر دشمن هجوم می‌بردند؛ ۳. صف معطوف: که جناحان به سمت داخل و قلب به سمت خارج سازماندهی می‌شدند که برای تقویت جناحین خوب بود، اما باعث تضعیف قلب می‌شد. این نوع سازماندهی جز به ضرورت انجام نمی‌شد (مهر، ۱۹۹۴: ۵۴).

قلب، جناحین و عقبه سپاه عمدتاً از پیاده‌نظام تشکیل می‌شد و در سه رسته شمشیرزنان، نیزه‌اندازان و کمانداران سازمان می‌یافت. از مهم‌ترین مأموریت‌های پیاده‌نظام، جنگ و درگیری با نیروهای دشمن برای درهم‌کوبیدن نیروی اصلی او بود (همان: ۳۴). در این عصر، تیراندازان به‌عنوان یک رسته تخصصی و مجرب در ساختار و سازمان سپاه وارد شدند و معمولاً نیز در میدان جنگ در صف اول سازمان می‌یافتند (شیبانی، ۱۴۱۷: ۱/۵۸؛ طبری، ۱۴۰۹: ۲/۴۶۶).

آن حضرت سپاه را در احد بدین گونه سازماندهی کرد، جناح راست را به فرماندهی منذر بن عمرو، و جناح چپ را به فرماندهی زبیر بن عوام، که مقداد بن الأسود، با گروهی سوار او را حمایت می‌کردند. مأموریت زبیر ایستادگی در برابر حمله سواران خالد بن ولید بود. همچنین، آن حضرت در مقدمه صفوف خود شجاع‌ترین جنگجویان و پیادگان آنان، که به شجاعت شهره بودند و با هزاران نفر برابری می‌کردند، سازماندهی کرد. این برنامه‌ریزی و سازماندهی ایشان بسیار دقیق و حکیمانه بود که حکایت از نبوغ نظامی ایشان داشت. آن حضرت بهترین موضع را در میدان جنگ، با این‌که دیرتر از دشمن رسیدند، در اختیار گرفتند، پشت و سمت راست خود را در حمایت کوه قرار دادند و جناح چپ را نیز با مسدود ساختن تنها راهی که امکان دسترسی دشمن به موضع او را می‌یافت مستقر کردند. برای سپاه خود نیز محلی مرتفع را انتخاب کرد که اگر دچار شکست شد امید گریز نداشته باشد و اگر دشمن بخواهد اردوگاه او را تصرف کند خسارات زیادی ببیند (مبارکفوری، ۱۴۲۷: ۱/۲۳۲).

ایشان در غزوه خیبر در نزدیکی قلاع، یاران خود را برای جنگ به صف کرد و پرچمی برای سعد بن عباد و حباب بن منذر، و پس از او برای سهل بن حنیف و پرچمی برای عباد بن بشر بست و به یهودیان گفت اگر تسلیم شوید اموال و خونتان ایمن خواهد بود (عازمی، ۱۴۳۲: ۳/ ۶۶۴).

سازماندهی خمیس یا پنج‌گانه یکی از سازماندهی‌هایی بود که رسول خدا (ص) آن را به کار گرفت. بر همین اساس مشرکان وقتی خبر حرکت سپاه پیامبر (ص) را می‌شنیدند می‌گفتند «جاء محمد و خمیسه» (محمد و سپاه پنجگانه او) آمدند. این نظام و سازماندهی را از آن رو که با اجزاء پنج‌گانه‌ای تشکیل می‌شد «خمیس» می‌نامیدند. این اجزاء عبارت بودند از: ۱. مقدمه؛ ۲. قلب؛ ۳. میمنه (جناح راست)؛ ۴. میسره (جناح چپ)؛ ۵. عقبه‌ی ساقه.

هرثمی سازماندهی خمیس را به این گونه تشریح می‌کند: «این نوع سازماندهی از پنج حین (جزء) تشکیل شده است. حین اول شامل قلب، میمنه و میسره. حین دوم نیز شامل سه بخش پس از قلب، میمنه و میسره یعنی پس از حین اول سازماندهی می‌شود که آن را «ردءالقلب» می‌نامند. حین سوم پس از آن قرار می‌گیرد که «اثقال» است و حین چهارم پس از آن که «ردء الاثقال» است. حین پنجم که آنرا «ساقه» می‌نامیم (هرثمی، همان جا).

جنگ براساس سازماندهی خمیس در غزوات پیامبر (ص) چنان از اهمیت برخوردار بود که حتی اگر شمار نیروها در جنگ کم بود به طور ناقص از آن بهره می‌بردند؛ اما بیشترین کاربرد نظام خمیس برای نیروهای انبوه بود. رسول خدا (ص) در جنگ بدر از نظام خمیس به طور ناقص استفاده کرد. آن حضرت در آن جنگ مهاجران و انصار را به دو کتیبه تقسیم کرد. پرچم (فرماندهی) مهاجران را به علی (ع) سپرد و پرچم (فرماندهی) انصار را به دست سعد بن معاذ داد، از اجزاء پنج‌گانه نظام خمیس تنها به تشکیل دو جزء میمنه و میسره پرداخت. فرماندهی میمنه را به زبیر بن عوام و فرماندهی میسره را به مقداد بن عمرو سپرد (ابن هشام، ۱۳۵۶: ۱/ ۶۳۰). در این نبرد نه مقدمه‌ای وجود داشت و نه قلب، نه ساقه و عقبه‌ای. البته شاید بتوانیم با قدری مسامحه، چند نفری را که رسول خدا (ص) زودتر از سایر لشکریان برای کسب خبر اعزاز داشت به عنوان مقدمه یا طلیعه بدانیم.

پیامبر(ص) در جنگ احد لشکریان را به سبب تعداد زیاد جنگجویان به سه کتیبه یا یگان تقسیم کرد که انصار شامل دو یگان اوس و خزرج می شدند و یگان سوم نیز از مهاجران تشکیل شد. آن حضرت سوار بر اسب، همراه تعدادی که شاید بتوان با اندکی مسامحه، نام آن را قلب گذاشت حرکت کردند؛ به گونه‌ای که جناح میمنه و میسره در راست و چپ او قرار می گرفتند. سعد بن عباد و سعد بن معاذ را نیز پیشاپیش به حرکت درآورد که مقدمه یا طلیعه سپاه را شکل می دادند (ابن هشام، ۱۴۰۴: ۲/۶۵).

در سازماندهی غزوه بنی سلیم، این قبیله در مقدمه سپاه با هزار سوار، جهینه در قلب و یگان خضراء در عقبه قرار گرفت. فرماندهی کل یعنی رسول خدا (ص) شخصاً فرماندهان ستون‌های سان‌دهنده را تعیین فرمود؛ از جمله خالد بن ولید را به فرماندهی سه ستون از پیش قراولان، که هر یک تحت فرماندهی فرماندهان خود قرار داشتند و نیز زبیر بن عوام، که فرماندهی یگان‌های مهاجر و انصار و ابوذر غفاری، که فرماندهی قبیله غفار را بر عهده داشتند (ابن هشام، ۱۴۰۴: ۴/۶۶).

معمولاً در جنگ‌ها، قلب، جناحین و عقبه سپاه عمدتاً از پیاده‌نظام تشکیل می شد و در سه رسته شمشیرزان، نیزه‌اندازان و کمانداران سازمان‌دهی می شدند. از مهم‌ترین مأموریت‌های پیاده‌نظام، جنگ و درگیری با نیروهای دشمن برای درهم کوبیدن نیروی اصلی او بود (همان، ۳۴/۴).

وقتی رسول خدا (ص) از خیبر به سمت وادی القری رفتند یهود مستقر در آن‌جا از مسلمین با تیرهایشان استقبال کردند. رسول خدا (ص) اصحاب خود را برای جنگ سازماندهی کرد و آنان را در صفوف مرتب کرد. پرچم خزرج را به سعد بن عباد، پرچم اوس را به حباب بن منذر، پرچمی نیز برای سهل بن حنیف، و پرچمی هم برای عباد بن بشر بست (مقریزی، ۱۴۲۰: ۷/۱۶۸). سازماندهی خمیس تنها در عصر پیامبر(ص) مورد استفاده بود و در عصر خلفای راشدین در فتوح تقریباً از اهمیت افتاد و جای خود را به نظام کرایس داد.

نتیجه‌گیری

با تغییر نوع جنگ، سرزمین، تنوع و گستردگی میدان جنگ، کثرت و تعدد عناصر رزم و نیروی انسانی در صدر اسلام، سازماندهی نظامی نیز دچار دگرگونی شد. اعراب در عصر جاهلیت به سبب محدود بودن میدان کارزار، درگیری میان قبایل و بویژه محدود

بودن جنگ به صحرا و کمی نیروی انسانی حاضر در جنگ، ناچار به اتخاذ شیوه جنگ و گریز و به عبارتی کرّ و فرّ و عملیات‌های غافلگیرانه بودند؛ لذا این نوع جنگ نیاز به سازماندهی خاصی نداشت. پس از اسلام، شیوه جنگ دگرگون شد و مسلمانان بر اساس آموزه‌های قرآنی به نظام صف و زحف، یعنی جنگ منظم و جنگ همگانی رو آوردند. این نوع جنگ بدون سازماندهی به موفقیت راه نمی‌یافت؛ از این رو، در عصر رسول خدا (ص) در بیشتر غزوات سازماندهی مورد عنایت بود. آن حضرت در چهار مرحله سازماندهی را به اجرا درآوردند که بیشترین موفقیت‌ها را برای ایشان به دنبال داشت و این از ابتکارات آن حضرت بود. علاوه بر آن، در این سازماندهی ضمن بهره‌گیری از نظام صف، از نظام خمیس یا سازمان پنجگانه طلیعه، قلب، میسره، میمنه و ساقه، بهره می‌گرفتند. نظام خمیس نیز در میان اعراب مرکز شبه‌جزیره رواج نداشت؛ اما در میان قبایل عرب همجوار امپراطوری روم و ساسانیان رایج بود. تغییر در شیوه سازماندهی بر حسب شرایط و نوع جنگ در این عصر، نشان از نبوغ رسول خدا (ص) داشت و پیروزی در همه غزوات را برای ایشان رقم زد.

منابع و مأخذ

- ابن حجر عسقلانی، أبو الفضل أحمد بن علی (۱۴۱۵ق)، *الاصابة فی تمییز الصحابة*، تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود وعلی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۹۶۷م)، *المقدمه*، بیروت، مکتبه المدرسه و دارالکتاب.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۶۳ش)، *العبر*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن درید ازدی، أبو بکر محمد بن الحسن (۱۹۷۸م)، *جمهره اللغه*، تحقیق، رمزی منیر بعلبکی، بیروت، دار العلم للملایین.
- ابن سعد، محمد (۱۳۷۴ش)، *الطبقات الکبری*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، فرهنگ و اندیشه.
- ابن سیده، ابوالحسن علی بن اسماعیل (۱۳۹۸ق)، *المختصر فی اللغه و الادب*، بیروت، دارالفکر.
- ابن شهاب زهری (۱۳۱۴ق)، *المغازی النبویه*، حقه سهیل زکار، بیروت، دارالفکر.
- ابن قتیبه دینوری، أبو محمد عبدالله بن مسلم (۱۹۹۲م)، *المعارف*، تحقیق ثروت عکاشه، الهیئة المصریة العامه للکتاب، قاهره.
- ابن کثیر، عمادالدین ابی الفداء (۱۹۶۶م)، *البدایة و النهایة فی التاریخ*، بیروت، دارالفکر.

- ابن منکلی بغا، محمد بن محمود (۱۴۰۹ق)، *الادلة الرسمية في التعابي الحربية*، تحقیق محمود شیت خطاب، بغداد، مجمع العلمي العراقي.
- ابن منظور، محمد (۱۹۵۶م)، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
- ابن هشام، ابومحمد (۱۳۵۶ق)، *السيرة النبوية*، تحقیق محی الدین عبدالحمید، قاهره.
- بکری الأندلسی، أبوعبید عبدالله (۱۴۰۳ق)، *معجم ما استعجم من أسماء البلاد و المواضع*، بیروت، الطبعة الثالثة. عالم الكتب.
- جواد علی (۱۴۱۳ق)، *المفصل في تاريخ العرب قبل الاسلام*، بغداد، جامعه بغداد.
- خلیل، عمادالدین (۱۴۲۵ق)، *دراسة في السيرة*، بیروت، دار الفنائس.
- دینوری، أبوحنيفة أحمد بن داود (۱۹۶۰م)، *الأخبار الطوال*، تحقیق عبدالمنعم عامر، قاهره، داراحیاء الكتب العربي، عیسی البابی الحلبي و شرکاه.
- ذهبی، شمس الدین أبو عبدالله محمد (۱۴۱۳ق)، *تاريخ الإسلام و وفيات المشاهير و الأعلام*، تحقیق عبد السلام التدمری، بیروت دارالكتاب العربي.
- سن تزو (۱۳۸۷ش)، *هنر جنگ*، ترجمه نادر میر سعیدی، تهران، کاروان.
- سوید، یاسین (۱۳۷۸ش)، *اصول و مبانی هنر جنگ در اسلام*، ترجمه اصغر قائدان، تهران، دانشگاه امام حسین.
- سهیلی، أبوالقاسم عبدالرحمن بن عبدالله (۱۴۱۲ق)، *الروض الأنف في شرح السيرة النبوية*، بیروت، دار إحياء التراث العربي.
- شببانی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق)، *كتاب السير و الخراج والعشر من كتاب الاصل*، تحقیق و تعليق مجید خدوری، پاکستان، نشر ادارة القرآن کراتشي.
- صالحی الشامی، محمد بن یوسف (۱۴۱۴ق)، *سبل الهادي و الرشاد في سيرة خير العباد*، تحقیق عادل أحمد عبدالموجود و الشيخ علی محمد معوض، بیروت، دارالكتب العلمية.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۹ق)، *تاريخ الطبري*، بیروت، مؤسسة الاعلمي.
- عمری، اکرم ضیاء (۱۴۱۵ق)، *السيرة النبوية الصحيحة محاولة لتطبيق قواعد المحدثين في نقد روايات السيرة النبوية*، المدينة المنورة، الطبعة السادسة، مكتبة العلوم و الحكم.
- عازمی، موسی بن راشد (۱۴۳۲ق)، *اللؤلؤ المكنون في سيرة النبي المأمون*، كويت، المكتبة العامرية للإعلان و الطباعة و النشر و التوزيع.
- عباسی، حسن بن عبدالله (۱۴۰۹ق)، *آثار الاول في ترتيب الدول*، تصحيح عبدالرحمن عميره، بیروت. بی نا.
- فراهیدی البصری، أبو عبد الرحمن الخلیل بن أحمد (بی تا)، *كتاب العين*، تحقیق، د مهدی المخزومی، د إبراهيم السامرائی، بیروت، دار و مكتبة الهلال.
- قائدان، اصغر (۱۳۷۳ش)، «احد در بستر تاریخ»، *میقات حج*، ش ۷.
- قائدان، اصغر (۱۳۸۵ش)، «مدیریت و رهبری پیامبر اکرم (ص) در عرصه های نظامی»، *مطالعات راهبردی بسیج*، ش ۳۱.

- قائدان، اصغر (۱۳۸۵ش)، سازماندهی و سازمان رزم در اسلام از آغاز تا عصر عباسی، تهران، دانشگاه امام حسین (ع).
 - قائدان، اصغر (۱۳۸۲ش)، «بسیج و تأمین نیرو در عصر اسلامی»، مطالعات راهبردی بسیج، ش ۱۸ و ۱۹.
 - قاسم بن سلام، أبو عبید القاسم بن عبد الله هروی (۱۳۸۴ق)، غریب الحدیث، تحقیق د. محمد عبد المعید خان، حیدرآباد، دکن، مطبوعه دائرة المعارف العثمانیه.
 - قسطلانی، أحمد بن محمد (بی تا)، المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیه، قاهره، المكتبة التوفیقیة.
 - ماوردی، ابوالحسن علی (۱۳۸۰ق)، الاحکام السلطانیة والولایات الدینیة، مصر، مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي.
 - مبارکشاه، محمد بن منصور، فخر مدبر، (۱۳۴۶ش)، آداب الحرب و الشجاعة، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران، اقبال.
 - مبارکفوری، صفی الرحمن (۱۴۲۷ق)، الرحیق المختوم، دمشق، دارالعصماء.
 - مقریزی، ابوالعباس تقی الدین (۱۴۲۰ق)، إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع، تحقیق محمد عبد الحمید النمیسی، بیروت، دار الکتب العلمیة.
 - مهر، غازی اسماعیل (۱۹۹۴م)، مبادئ الحرب فی صدر الاسلام، عمان، دار فرقان.
 - واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۴ق)، المغازی، تحقیق مارسدن جونز، بیروت، هروتزوف.
 - واقدی، محمد بن عمر (۱۴۱۷ق)، فتوح الشام، تصحیح عبداللطیف، بیروت، دارالکتب العلمیة.
 - وتر، ضاهر (۱۳۷۵ش)، مدیریت نظامی در نبردهای پیامبر اکرم (ص)، ترجمه اصغر قائدان، تهران، صریر.
 - هروی، ابوبکر (بی تا)، التذکره الهرویة فی الحیل الحربیة، مصر، مكتبة الثقافة الدینیة.
 - هرثمی، ابوبکر (بی تا)، مختصر سیاسة الحروب، تحقیق عبدالرئوف عون، قاهره، المؤسسة المصریة العام.
 - یاقوت حموی، ابو عبدالله (۱۴۱۲ق)، معجم البلدان، بیروت، دارالفکر.
- Carpenter, Stanley D. M (2005), *Military Leadership in the British Civil Wars, 1642-1651: The Genius of This Age*, Routledge,
 - *Encyclopedia Military Defence*. (1990), organization Military, Newyork, 4244- Robinson (2003), *chasef Islamic historiography*, Cambridge
 - Trevor, Col, N. Dupay (1993), *International Military and Defence Enclopedia*, USA, Brasseys Washanton, Newyork.